

تحولات اجتماعی و نقش مددکاری اجتماعی

این مقاله برگردان سخنرانی شادروان دکتر علی اسدی می باشد که درباره مددکاری اجتماعی ایراد شده است. یاد و خاطره استاد را گرامی می داریم.

مقررات به جای آداب و رسوم این روابط را تنظیم می کند.

شرایط ایجاب می کند که انسان برای زندگی در چنین جامعه پیچیده ای آماده شود و طبیعی است که آماده شدن به آسانی میسر نمی شود و در نتیجه عدم انطباق و ناسازگاری با شیوه زندگی نوین پدید می آید و حرکت از زندگی در (Community) یا اجتماع کوچک و یا محلی که مانند روستا است به زندگی در (Society) یا جامعه بزرگ و پیچیده با هزاران مشکل مواجه می شود.

تفاوت بین اجتماع و جامعه اساساً بیشتر این است که روابط در اجتماع محلی چهره به چهره و بر اساس عواطف و تعلق گروهی شکل گرفته است و در حالیکه جامعه روابط دیگری را طلب می کند و دیگر چهره به چهره نیست.

در واقع انسان در جامعه امروز در سازمانها زندگی می کند و سازمانهای پیچیده و تو در تو یعنی بیان چیزی که به آن «دیوانسالاری» و «بوروکراسی» می گویند.

جامعه کشاورزی به طور کلی جامعه ای است که بر محور خانواده شکل گرفته و سازمانها در چنین جامعه ای بسیار ساده و محدودند، محور زندگی خانواده گسترده است و روابط افراد در زمینه کار تولید و آموزش، پرورش و فرهنگ پذیری در آن شکل می گیرد و در نتیجه جامعه بافت بسیار ساده ای دارد و افراد از ابتدا تا زمانی که زنده هستند در این بستر گسترده خانواده زندگی می کنند و خانواده و خویشاوندی به صورت شبکه

و شیع، تمام این امکانات را برای کار فراهم می کند. بتدریج که صنعت توسعه پیدا می کند، تحول عظیمی در سافت و ساخت جامعه پیدا می شود به نحوی که خانواده گسترده بتدریج تجزیه و به خانواده های هسته ای تبدیل می شود همراه با آن مقداری از وظایف و کارکردهای آن به سازمانهای دیگر واگذار می شود. مانند مدرسه، کارخانه، بیمارستان و ... بتدریج جامعه (Society) جای اجتماع (Community) را می گیرد، یعنی روابط عقلانی در کنار روابط عاطفی رشد می کند و قوانین و

یکی از ویژگیهای تحول جامعه انسانی بعد از انقلاب صنعتی تکثر و پیچیدگی سازمانها و نهادها است. با صنعتی شدن جامعه حوزه های صنعتی و شهرهای صنعتی پدید می آیند و شیوه تازه ای از تقسیم کار شکل می گیرد که با شیوه گذشته بسیار متفاوت است. از این جهت دورکیم (Durkeim) می گوید:

«جامعه صنعتی بر مبنای تقسیم کار ارگانیک شکل گرفته است در حالی که جامعه کشاورزی بر مبنای کار مکانیک.»

برای اینکه بهتر به نقش مددکاری به عنوان یکی از شیوه های انطباق و سازگاری انسان با محیط صنعتی و جامعه پی ببریم، لازم است نخست تفاوت های اساسی این دو جامعه را بشناسیم، زیرا:

نقش اساسی مددکاری اجتماعی حل مشکلات انسانها در رابطه با جامعه پیچیده صنعتی است.

نظام فکری حاکم بر بوروکراسی و دیوانسالاری گسترده بیشتر منطقی و عقلانی است تا عاطفی، در نتیجه روابط عاطفی و خویشاوندی بتدریج جای خود را به روابط عقلانی و منگی بر منفعت می‌دهد و در نتیجه ضابطه جای رابطه را بتدریج می‌گیرد. با توجه به این پیچیدگی روز افزون بافت و ساخت جامعه لازم است نهادهایی برای سازگاری انسان با محیط فنی و تکنولوژیکی (Techno sphere) شکل می‌گیرد.

شهرها، به ویژه شهرهای صنعتی و شهرهای بزرگ از طبیعت جدا شده اند و در آنها رابطه انسان با طبیعت بکلی دگرگون شده، مظهر چنین حوزه ای هستند، در محیط فنی، انسان با عامل تازه ای به نام تکنولوژی رابطه برقرار می‌کند، از طریق تکنولوژی است که روابط بین انسانها با همدیگر، انسان با سازمان و حتی انسان با طبیعت مجدداً تعریف می‌شود و از این جهت بویژه در دوره انتقال و گذار از جامعه روستایی و کشاورزی یا همان (Community) یا جامعه به اصطلاح محلی به جامعه گسترده و پیچیده یا (Society)، ضرورت چنین سازمانها و نهادهایی که بتوانند انسان را برای حل مشکلات عدیده ای که در زندگی اش پدید آمده به آنها کمک کند و آنها را حمایت کند و این دوره انتقال را تسهیل کند مطرح می‌شود.

یکی از عوامل مهم تسهیل کننده انطباق با جامعه جدید، همین سازمانهای حمایت کننده و مشکل گشا هستند که «سازمانهای مددکاری» نام دارند.

«مددکاری» در معنی وسیع آن تقریباً تمامی حوزه‌های زندگی و رفتار انسان را در بر می‌گیرد.

انسان در جامعه پیچیده جدید در رابطه با نهادها مشکل دارد، برای اینکه نهادهای تازه را نمی‌شناسد و قوانین حاکم بر این نهادها را نمی‌داند. از این رو احتیاج شدیدی به کمک دارد تا بتواند در این دنیای ناشناخته و پیچیده راه خود را یافته و با افراد غریبه رابطه برقرار کند. بیگانه‌گریزی که خصلت اصلی جامعه روستایی و محلی است، باید جای خود را به آشنائی دائمی با افراد غریبه بدهد، یعنی فرد بتواند به راحتی با افراد غیر خودی هم به همان آسانی ارتباط برقرار کند که با خودی، زیرا مشکلات او در دست افرادی است که دیگر مثل گذشته با او آشنا نیستند. شما هر روز با گروه جدیدی برخورد می‌کنید که همه چهره‌ها برایتان ناشناخته است و در نتیجه باید منش و خوی تازه ای در انسان پرورش پیدا کند که بتواند به راحتی با افراد غیر خودی هم ارتباط برقرار بکند و شاید یکی از بزرگترین مشکلاتی که در مرحله گذر است همان در آمیختگی گروههای قومی، فرهنگی، زبانی و حتی مذهبی گوناگون در شهرها است. یعنی شهرها دیگر آن یکدستی روستا را ندارند و زندگی در آن به نگرش تازه ای نیاز دارد که بتواند در شهرها با این نوع تنوع و تکرر گویشها، خلیقات و فرهنگها و ... زندگی بکند و این مستلزم پیدا شدن روحیه مساعد است. مستلزم شکل گرفتن آن چیزی است که به آن یکدلی می‌گوییم،

افراد در جامعه جدید باید نقشهای بسیار زیادی را به عهده بگیرند که اکثر آنها هم ممکن است در تضاد باشند. ولی مسأله ایفای نقش در جامعه جدید بسیار مهم است و این بدان احتیاج دارد که افراد به ایفای نقش و نقشهای متفاوت آشنا بشوند و مهارت پیدا کنند و این امکان ندارد مگر اینکه در آنها همدلی یا یکدلی به وجود بیاید، یعنی اینکه افراد بتوانند خودشان را در نقشهای متفاوت ببینند و افراد دیگر را در نقشهای متفاوت بفهمند، نقش آنها را بفهمند و با آن همدلی داشته باشند، مثلاً:

اگر با ارباب رجوع یکدلی نداشته باشد به هیچ وجه نمی‌تواند خودش را در قالب کارمندی که پشت میز نشسته احساس بکند و در نتیجه نمی‌تواند محدودیتهای او را درک کند، در نتیجه جامعه در حال گذار، جامعه ای است که به شدت دچار تعارض نقشها می‌شود و همچنین نقشهایی که خود فرد باید ایفا بکند، به دلیل تکرر، پیچیدگی و تعارضهایی که بین آنها وجود دارد، از ایفای آنها عاجز می‌شود.

و اما در باره توسعه، اگر بخواهیم توسعه را تعریف کنیم، به طور کوتاه می‌توانیم بگوییم که توسعه فراگردی است که دو روند اصلی بر آن حاکم است، یکی روند تکرر و تنوع است یعنی تنوع ساختارها و بافتها و سازمانهاست و دیگری افزایش روز افزون نهادها و سازمانها است که هر دو اینها باعث می‌شود که جامعه از حالت ساده به پیچیده گرایش پیدا کند.

پس جامعه توسعه یافته جامعه ای است که از نظر ساختها و نقشها و پایگاهها یا موقعیت های اجتماعی بسیار پیچیده است. از این جهت در توسعه، با مسایل انسانی زیادی مواجه هستیم. زیرا در جامعه امروز برای اولین بار انسان با مسایلی مثل کهن سالی، توانبخشی و جوانان مواجه می شود، در گذشته در خانواده گسترده امکاناتی برای نگهداری پیران و معلولان فراهم بود، ولی در جامعه صنعتی دیگر امکان نگهداری افراد معلول و پیر یا کودکان به اصطلاح عقب مانده وجود ندارد، اینها به تدریج زیر پوشش خدمات مددکاری، بهداشتی و خدمات گوناگونی می روند که جامعه برایشان فراهم می کند.

به هر حال به تدریج مسایل پیچیده ای پیدا می شود، مانند تنهایی، مسأله انطباق با محیط شهر، مسایل روانی که از استرسها و تعارضهای نقش به وجود می آید.

غالباً در جوامع پیچیده امروز اینها همه باید به کمک نظام فعالی مثل نظام مددکاری حل و فصل شود و از این جهت بدون مددکاری و خدمات آن جامعه نمی تواند این مسیر بسیار ناهموار و بسیار سخت گذار از جامعه کشاورزی به جامعه صنعتی را طی بکند. از این رو مددکاران امروز در تمام حوزه ها چه در حوزه تولید و کار و مشکلاتی که افراد در انطباق خود با شرایط تولید صنعتی و فنی پیچیده دارند چه در حوزه روابط اجتماعی نقش مهمی در حل مشکلات افراد دارند.

مشکل معلولان و از کارافتادگان و سالمندان، یکی از زمینه های است که مددکاری می تواند در حل آن نقش مهمی داشته باشد. مسایل ناشی از مهاجرت های بزرگی که به دلیل جنگ و یا سوانح طبیعی ممکن است پیش بیاید یا زاغه نشینی ناشی از موج مهاجرت هایی که از روستا به شهرها در جریان است، کمک مددکاران را طلب می کند. مسأله انفجار جمعیت از معضلاتی است که مددکاری می تواند با یاد دادن شیوه های جلوگیری از بارداری، تا حدی در کنترل آن مؤثر باشد.

پس می بینیم که مددکاری در اجرای هدف اساسی خود که همان انطباق انسان عصر کشاورزی با پیچیدگیهای جامعه در حال توسعه و صنعتی است. در تمام حوزه های عمل و رفتار انسان نقش مهمی در تسهیل و انطباق و سازگاری مجدد به عهده دارد. اگر به تاریخ پیدایش مددکاری هم نگاه کنیم، نشان می دهد که شکل گیری آن از سال ۱۹۲۰ که در آمریکا به دلیل نیازی بوده که زندگی شهری صنعتی مطرح کرده است، تبار ایران مسلم شکل گیری سازمانهای خدمات اجتماعی و مددکاری همراه با روند صنعتی شدن جامعه، شکل گیری شهرهای بزرگ و مسایل پیچیده ای مانند کج رویها، مشکل جوانان و رشد جمعیت، کمبود مسکن و هزاران مشکل دیگر است که خود ناشی از پیچیده شدن جامعه از یکسو و انفجار نیازها از سوی دیگر است.

به علاوه در گذشته چون آگاهی کم بود، شناخت از نارساییها و کمبودها و تنگنایهای زندگی هم به همان میزان کم بود. در نتیجه توقع و نارضایتی هم بالا نبود، مثلاً افسراد مریض می شدند، ولی نیازی ضروری برای مراجعه به پزشک احساس نمی کردند و این را به عنوان تقدیر و سرنوشت زندگی خود می پذیرفتند، ولی امروز در روستاهای بسیار عقب مانده هم مردم نیاز به درمان به هنگام بیماری را احساس می کنند. در نتیجه این روند، مسایل تازه ای مطرح می شوند که باید در جامعه راه حلی برای آن جستجو کرد.

طبیعی است که در برابر موج انفجار نیازها و مشکلاتی که جامعه امروز با آن مواجه است، دولتها هم نمی توانند مثل گذشته نسبت به این مشکلات و معضلات بی تفاوت باشند. در نتیجه، یک سری تعهدات و مسؤولیتهای تازه برایشان ایجاد می شود که همان به اصطلاح تأمین رفاه اجتماعی برای جامعه است و بعد مهم آن «خدمات مددکاری و مددکاری اجتماعی» است.

از این رو، با نگاهی عمیق به مسأله متوجه می شویم که بین فرآیند توسعه و رشد مددکاری نوعی همبستگی و نزدیکی وجود دارد. این بدان معنی است که اگر دولت نتواند در روند توسعه و گسترش شهرنشینی و صنعتی شدن امکانات کافی مددکاری اجتماعی را فراهم بکند، جامعه پر از مشکلات لاینحل خواهد شد و در نتیجه جامعه نابسامان و رنجور خواهد شد. از آنجا که مشکلات

متأسفانه در کشور ما هنوز «مددکاری» به عنوان یک فعالیت مهم و یک دانش کاربردی شناخته نشده است و جایگاه و نقش آن هنوز در جامعه ما بسیار مبهم و ناشناخته باقی مانده است.

به مردم در جهت حل مشکلاتشان که خدمات مددکاری می‌تواند یکی از آنها باشد. خدمات مددکاری می‌تواند اطلاعات کافی در اختیار افراد بگذارد و می‌تواند با روشهایی که با هفتاد سال تجربه به دست آورده در حل مشکلات مردم بویژه گروههای مستمند و با درآمدهای پایین که هم آگاهیهایشان کمتر است و هم امکانات محدودی دارند مؤثر باشد.

روزبروز زیادتر می‌شود و امکان حل مشکلات به همان اندازه رشد پیدا نمی‌کند، اگر در جهت تقویت نظام مددکاری اجتماعی، کاری انجام نگیرد، مسایل و مشکلات به روی هم انباشته می‌شود و نهایتاً به گره کوری تبدیل می‌شود از این رو بدون شک، یکی از ضرورت‌های بازسازی و ایجاد توسعه، تقویت نهادهای گوناگون است برای کمک

نظام فکری حاکم بر بوروکراسی و دیوانسالاری گسترده بیشتر منطقی و عقلانی است تا عاطفی، در نتیجه روابط عاطفی و خویشاوندی به تدریج جای خود را به روابط عقلانی و متکی بر منفعت می‌دهد و در نتیجه ضابطه جای رابطه را به تدریج می‌گیرد. با توجه به این پیچیدگی روز افزون بافت و ساخت جامعه لازم است نهادهایی برای سازگاری انسان با محیط فنی و تکنولوژیک (Techno sphere) شکل گیرد.